### علیرضا داودنژاد در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

# سینمای قبل انقلاب از زندگی واقعی مردم دور بود

## سینمای ایران در سال ۵۶ به سمت ورشکستگی رفت

معین احمدیان
روزنامه‌نگار

در سال‌های اول انقلاب، تعدادی از فیلمسازان ایرانی طی نامه سرگشاده‌ای به ملت و دولت، وضعیت سینمای قبل انقلاب را تشریح و در آن تاکید کردند دو عامل «اختناق» و «وابستگی» باعث نابودی و انحطاط سینمای ایران شده بود. متن این نامه توسط علیرضا داودنژاد، کارگردان فیلم‌های مطرحی همچون «نیاز»، «مصائب شیرین»، «مرهم» و «کلاس هنرپیشگی» در فضای رسانه‌ها منتشر شد.

در بخش‌هایی از این نامه آمده است: «آنچه در رژیم گذشته سینمای ما را مانند بسیاری از پدیده‌های انسانی و اجتماعی به انحطاط و نابودی کشاند، دو عامل وابستگی و اختناق بود.

اختناق از نمایش فیلم‌های هنری و فرهنگی و مترقی جلوگیری کرد و راه را فقط برای ابتذال باز گذاشت. از سوی دیگر دولت در برابر حمایت از ورود فیلم‌های مبتذل خارجی، تولید فیلم داخلی را با شک و تردید نگریست، چراکه موضوع فیلم‌های خارجی خوب باید، به این سرزمین مربوط نمی‌شد اما موضوع فیلم داخلی، خوب باید به این سرزمین مربوط بود و مردم متقابلا به فیلم‌هایی که به خودشان مربوط باشد، علاقه‌مند بودند. دولت به خوبی می‌دانست که هر فیلمی که در ایران ساخته شده باشد، یانصد درصد گران‌تر از فیلم خریداری شده از خارج تمام می‌شود. پس باید پنج برابر حمایت داشته باشد تا در شرایط عادلانه نسبت به فیلم خارجی عرضه شود. لکن نه تنها این حمایت، انجام نشد که همواره بهترین تالارهای نمایش و امکانات دست اول برای نمایش چندباره فیلم‌های خارجی، محفوظ ماند و دولت برای حمایت و حتی رعایت عدالت در مورد سینمای داخلی، کوچک‌ترین قدمی برنداشت و فیلم داخلی را وا گذاشت تا با مشکلات مالی و ارتباطی خود، از پا درآید.

با ورود انبوه فیلم‌های مبتذل خارجی، از آنجا که تعداد تالارهای نمایش فیلم محدود است، بین واردکننده و تهیه کننده داخلی، بر سر گرفتن تالار نمایش، رقابت تشدید شد. در این رقابت کسی برنده بود که می‌توانست درصد بیشتری به تالار نمایش بپردازد و خواه ناخواه این رقابت با پیروزی فیلم خارجی به پایان رسید. انحصار تالارهای نمایش توسط فیلم‌های خارجی، وارد کننده شدن صاحبان تالارها، زمینه رشد سازمان‌های پخش فیلم شد که در عین توزیع فیلم ایرانی، واردکننده فیلم خارجی، صاحب یا اجاره‌دار سینماهای بزرگ می‌بودند و با جلب حمایت سیاسی دولت- که حتی دولت به وارد کنندگان وام می‌پرداخت- این سازمان‌ها به مراکز تراکم ثروت و قدرت و تصمیم‌گیری درباره سرنوشت سینما تبدیل گشتند. این سازمان‌های پخش فیلم، عملا محل اجرای سیاست وابستگی و انهدام تولید داخلی بودند. به این ترتیب سرمایه‌هایی که در تولید داخلی فعال بودند، با تحکیم و تثبیت واردات فیلم و با افزایش دائمی نرخ تورم، قدرت رقابت با فیلم خارجی را از دست می‌دادند و با خارج شدن از حوزه تولید و وارد شدن در سازمان‌های پخش فیلم، به خدمت واردات فیلم درآمدند. بیکار شدن نیروهای مولد و جذب بخشی از افراد در نظام واردات و توزیع فیلم خارجی، به صورت کارمند، دلال، یادو و... حاصل نهایی روند وابستگی سینمای ایران بود. بدین ترتیب مجموعه سینمای داخلی، به تدریج از هم پاشید و مجموعه جدیدی بر محور خارجی تشکیل شد، با چنین توطئه‌ای بود که دو سال پیش از سقوط رژیم گذشته، سینمای داخلی، به کلی ساقط می‌شود...»

نام سرگشاده سینماگران ایران به ملت و دولت به امضای سینماگرانی چون محمدرضا اصلانی، سیروس الوند، بهرام بیضایی، علیرضا داودنژاد، کامران شیردل، مهدی فخیم‌زاده، واروژ کریم‌مسیحی، عباس کیارستمی، امیر نادری و داریوش مهرجویی رسیده بود. برخی این نامه را بازنمای تفکر و اهداف فیلمسازان اوایل دهه شصت می‌دانند که در ریل گذاری سیاست‌های بنیاد سینمای فارابی در حمایت از تولید داخلی و منع اکران فیلم خارجی در سال‌های سینمایی موثر افتاد. آنچه می‌خوانید متن گفت‌وگوی ما با علیرضا داودنژاد درمورد دو کلیدواژه «اختناق» و «وابستگی» در سینمای قبل از انقلاب است و اینکه قرار بود سینمای ایران با پرهیز از چه چیزی، باردیگر به روزهای ابتذال و ورشکستگی سینمای قبل انقلاب دچار نشود.

!!!

**در سال ۶۰ نامه‌ای را جمعی از سینماگران خطاب به «ملت و دولت» منتشر کردند و اظهار داشتند «اختناق» و «وابستگی» دو کلیدواژه‌ای بودند که سینمای قبل انقلاب را به ورطه انحطاط و نابودی کشاند. در همان نامه هشدار داده بودید اگر این روند ادامه پیدا کند برای سینمای بعد از انقلاب هم چنین وضعیتی رقم خواهد خورد. ادعای «اختناق» با تصور معمولی که نسبت به سینمای قبل از انقلاب ارائه می‌شود، کمی متفاوت است. سانسور در سینمای قبل از انقلاب به چه معنایی رقم می‌خورد و این نامه در چه مختصات زمانی نوشته شده بود؟**

درواقع کاری که سانسور با سینما می‌کند این است که میان فیلمسازان یک کشور و زندگی ملت و مسائل مبتلابه و جاری آنها فاصله می‌اندازد. درحالی که سینما باید منعکس‌کننده واقعیت‌های جاری جامعه باشد. در قبل از انقلاب، سینما نمی‌توانست به متن زندگی روزمره و مسائل مبتلابه مردم وارد شود. فقر، اختلاف طبقاتی و آثار وابستگی بر پرده سینما نمایان نبود.

به همین دلیل سینما در سال‌های قبل از انقلاب نمی‌توانست منبع الهام زندگی جاری و روزمره مردم و مسائل آنها باشد. وقتی یک سینمایی نتواند از مسائل واقعی اطراف خود الهام بگیرد؛ از چه چیزی باید الهام بگیرد؟ حالا علاوه بر این وضعیت شرایطی را ببینید که عرضه فیلم خارجی زیاد باشد و مردم از آن استقبال کنند، خواه ناخواه فیلمسازی که نتواند از جهان اطراف خود الهام بگیرد به سمتی رانده می‌شود که از نمونه‌های موفق فیلم خارجی گیبه‌برداری و تقلید کند. دیروز فیلم‌های خارجی در سینما نشان داده می‌شد و امروز در ماهواره و بازار سیاه به فراوانی یافت می‌شود. اگر آن روزها سینما نمی‌توانست از زندگی واقعی ملت الهام بگیرد، سراغ بازتولید کلیشه‌هایی می‌رفت که در فیلم‌های خارجی بودند؛ برای فیلمساز امروز هم این خطر وجود دارد که اگر با زندگی واقعی ملت پیوند نخورد، سراغ بازتولید کلیشه‌هایی خواهد رفت که در ماهواره و بازار سیاه است.

**مشخصا وقتی از سانسور و اختناق در سینمای قبل از انقلاب صحبت می‌کنید به چه معناست؟ آیا منظور همان حذف مسائل مطرح‌شده در یک اثر سینمایی است که اگر حرفی مماس با حقیقت زندگی مردم زده می‌شد، اجازه ساخت نمی‌گرفت یا اینکه سانسور رادرفضای کلی سینما تعریف می‌کنید- که با پروسال دادن به فیلم‌های مبتذل؛ حواس مخاطب را از آثار مترقی دور می‌کرد. در مورد سینمای قبل انقلاب، سانسور به چه صورتی بود؟**

پیش از انقلاب هم سینماگرانی بودند که علی‌رغم سانسور تلاش می‌کردند با هر زبان و بیانی که شده مسائل واقعی جامعه را آنچنانکه استیناف می‌کردند، منعکس کنند. مثلا مرحومی و بیضایی جزء این گونه فیلمسازان بودند یا قبل از آن هم فیلمسازانی از این قبیل وجود داشتند ولی تولید این نوع فیلم‌ها با زحمات زیادی در چنین وضعیتی، چه چیزی نتیجه‌اش به جریان سینمایی می‌شد؟ فیلم‌هایی که وارد مسائل واقعی جامعه نمی‌شدند و فقط مقید به چرخاندن چرخ صنعت سینما بعنی تولید انبوه بودند. فیلم‌ها یا از لحاظ سیاسی، خواه ناخواه، بی‌خطر می‌شدند و دقیق‌تر روی خود را از زندگی جاری ملت مبرا می‌گردانند.

وقتی با چنین سانسوری دست و پای سینمای داخلی را ببستند، اقبال مخاطب به سمت فیلم‌های خارجی رفت. فیلم‌های پرفروش خارجی در آن دوران، دو کلیشه مشخص داشتند؛ یکی سکسی بود و دیگری خشونت. سینماگر داخلی هم اثرش زیر تیغ سانسور بود و اجازه نداشت به زندگی و واقعیت‌های جاری مردم توجه کند و اگر توجه می‌کرد باید دایرا زیر بمی‌رفت و در این شرایط بود که دیگر چاره‌ای برای ادامه حیات حرفه‌ای خود نداشت جز اینکه به سمت انفعال و تقلید و کپی‌برداری شرایط حاکم بر اکران در سینمای قبل انقلاب به سمت ورشکستگی رفت.

**فارغ از فضای سانسوری که برای فیلمسازان شکل می‌گرفت، آیا قوانینی بود که فیلمسازان را ملزم کند ایرانی را نشان دهند که تصویر گزینشی از جامعه ایرانی است؟**

هیچ‌وقت این را نمی‌گویند که الان و نه آن زمان، هیچ وقت هم نخواهند گفت. شرایطی ایجاد می‌کردند که سینما به سمت حذف واقعیت‌های جامعه برود. در اینجا بهتر است اشاره دقیق‌تری به نامه کنم و به آنچه در محتوای نامه وجود دارد. قبل از آنکه نامه را بنویسم، یک طرح به نام «طرح بازسازی سینمای ایران» نوشته بودم. محتوای نامه از هم‌صحبتی با مهدی فخیم‌زاده- سیروس الوند و چه‌های هم‌نسل خودم شکل گرفته بود. نامه را نوشتم و فخیم‌زاده تایپش کرد و نامه را به مسئولان بعد از انقلاب دادیم. در آن نامه هشدار داده بودیم اگر سینما همان رویه قبل از انقلاب را در پیش بگیرد، باز دیگر فیلمسازان به سمت بازتولید کلیشه‌ها و گیبه‌برداری از فیلم‌های خارجی خواهند رفت.

شرایط حاکم بر اکران در سینمای قبل انقلاب هم باعث شده بود سینما به تدریج از زندگی ملت دور شود و فیلم ایرانی کم‌کم از چشم مردم افتاد. فراوانی و ارزان بودن فیلم خارجی برای سالن‌داران سینما صرفه بیشتری داشت. سال‌های نمایش، فیلم ایرانی را باید مدت زمان طولانی‌تری نشان می‌دادند و پورسانت بیشتری پرداخت می‌کردند، ولی فیلم خارجی را می‌توانستند مدت زمان کوتاه‌تری نشان دهند و پورسانت کمتری هم پرداخت می‌کردند. این عاملی بود تا سینماداران برای نمایش فیلم خارجی ترغیب شوند.

فیلمساز ایرانی برای اینکه از رقابت عقب نیفتد، دنبال تقلید از فیلم خارجی بود در نتیجه سینمای قبل از انقلاب به سمت تبدیل شدن به کاریکاتور غم‌انگیزی از فیلم‌های خارجی می‌رفت. حاصل این روند در سینما این بود که سرمایه‌ها را از تولید به سمت فیلم خارجی و واردات می‌کشاند. به تدریج واردات بیشتر شد و سرمایه‌ها از تولید به سمت فیلم خارجی و واردات می‌کشاند. به تدریج واردات بیشتر شد و سرمایه‌ها از تولید به سمت فیلم خارجی و واردات می‌کشاند. این روند در سینما این بود که سرمایه‌ها را از تولید به سمت فیلم خارجی و واردات می‌کشاند. به تدریج واردات بیشتر شد و فیلم‌های خارجی به زیر ۱۵ تولید رسید و سینمای ایران به سمت ورشکستگی رفت.

**باناگهی به سیاستگذاری‌های سینمای دهه ۶۰ که در آن سال‌ها توسط بنیاد سینمایی فارابی طراحی شده بود، مثل محدود کردن اکران فیلم خارجی و حمایت از فیلمسازان داخلی، آیا می‌توان گفت محتوای نامه و راه‌حل‌هایش در شکل‌گیری این سیاست‌ها نقش داشت؟**

زمانی که نامه منتشر شد، هنوز بنیاد سینمایی فارابی راه نیفتاده بود. اما این نامه و طرح بازسازی را به مسئولان و وزیر ارشاد و رئیس جمهور و رئیس مجلس دادیم. سینما با مسائل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی سروکار دارد، پس می‌توان گفت جریان تولید در سینما و اصولا پدیده سینما با همه سطوح جانبی‌اش، متصل به نظام حاکم بر جامعه است. در زمان نوشتن آن نامه، به این امر واقف بودیم که مولفه‌های عمومی حاکم بر جامعه خواه‌ناخواه به سینما منتقل می‌شود. اگر سینمتو حاکم، روندی خاص را در پیش بگیرد، خواه‌ناخواه به سینما اجازه نمی‌دهد منعکس‌کننده واقعیت‌ها باشد. اگر از لحاظ اقتصادی خام‌فروشی کرده و منابع را صادر کند و فیلم وارد کند، خواه‌ناخواه این سینما را تحت فشار واردات فیلم خارجی قرار می‌دهد؛ یعنی همان چیزی که در سینمای قبل انقلاب می‌دیدیم.

سینما پدیده‌ای است که با سرمایه نیروی انسانی و تولید و توزیع و نمایش سروکار دارد. رابطه سرمایه با تولید، تولید با توزیع و توزیع با نمایش، خواه‌ناخواه تحت تاثیر این مولفه‌ها قرار می‌گیرد و منظومه تولید و توزیع و نمایش به سمتی می‌رود که منعکس‌کننده ترکیبی از همه این مولفه‌ها است. به این ترتیب بیش از اینکه بخشنامه و هدایت مستقیم بتواند به تولید در سینما جهت دهد، سینما متاثر از مولفه‌های عمومی همچون سیاست، اقتصاد و فرهنگ آن جامعه پیش خواهد رفت و مجموعه این مولفه‌ها، سازوکار درونی سینما را تحت تاثیر قرار می‌دهند و دیگر لازم نیست کسی یا اداره‌ای آنجا باشد که بگوید شما چه موضوعی را انتخاب کنید یا با چه کسانی کار کنید یا چطور فیلم بسازید یا چطور اکران کنید.

چیزی که در چند سال اخیر در فضای سینما شاهدش هستیم، گویا همان شرایط سینمای قبل از انقلاب را بازتولید می‌کند؛ یعنی از یک طرف کمتر شاهد تولید آثاری هستیم که مماس با زندگی واقعی مردم هستند و از سوی دیگر فیلم خارجی از طریق تلویزیون، ماهواره و بازار سیاه در دسترس مردم قرار می‌گیرد و سینمایی به وجود آمده که متکی بر سوپر استار و کپی‌برداری است. با این تفاوت که در حال حاضر حوزه نمایش وسیع‌تر از سالن‌های سینمایی است، ولی آن زمان محدود به سالن‌ها بود. اگر فضای عرضه در نمایش خانگی این باشد و فضای ۷×۵ هم واقعی و امن در دسترس عموم مردم ایران قرار بگیرد، بازار وسیعی از مخاطبان برای سینمای ایران شکل خواهد گرفت. در نتیجه سینما هم متناسب با این مخاطب وسیع، تولید خواهد داشت و هم اینکه فیلمسازان به سمت تولید آثاری خواهند رفت که از زندگی اجتماعی الهام می‌گیرد. این روزها سینمای ایران در انحصار سالن‌های محدود باقی مانده و برای همین است که آثار سینمایی به سمت انفعال و تقلید از آثار خارجی می‌رود. امروز دیگر لازم نیست اداره نظارت بر نمایش بگوید چطور فیلم بسازید. این وظیفه را سالن‌دار و پخش‌کننده سینما برعهده گرفته است. سالن نمایش می‌گوید من چه نوع فیلمی می‌خواهم؛ فیلمی که متکی بر کپی‌برداری باشد یا متکی بر سوپر استار.

**اینکه می‌گویید در این سال‌ها سینمای ایران از متن زندگی واقعی مردم دور شده، به چه معنا است؟ مگر چه شرایطی مانع از پرداخت فیلمسازان به زندگی واقعی مردم شده است؟**

سانسور، معنای سانسور هم واضح است. چیزی به نام زندگی روزمره مردم وجود دارد و این زندگی جنبه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دارد و واقعیاتی است که جریان دارد. سینمای داخلی ما امروز نمی‌تواند در ارتباط با این واقعیات باشد. نمی‌تواند از واقعیات جاری جامعه الهام بگیرد. وقتی نمی‌تواند از واقعیات جاری جامعه الهام بگیرد، از چه چیزی الهام بگیرد؟ بازار او محدود به سالن شده است و سالن هم پول می‌خواهد، پس ناچار است از نمونه فیلم‌های خارجی الهام بگیرد. بنابراین آنچه سینمای امروز را هم به انفعال و تقلید و کپی‌برداری و ابتذال می‌کشاند، سانسور و فیلم خارجی است؛ یعنی فراوانی فیلم خارجی در کنار جلوگیری سینما از پویدا داشتن یا شدن مردم.

**شما اقبال مردم به فیلم خارجی را در کنار محدودیت فیلمسازان ایرانی و سانسور قرار می‌دهید و از اینها به عنوان عوامل رکود سینمای کشور عنوان می‌کنید. شاید اولین چیزی که به ذهن می‌رسد این است که فیلمساز ایرانی به دلیل سانسور نمی‌تواند شبیه فیلم‌های خارجی بسازد و از رقابت عقب مانده است. آیا به این معنا است که فیلمسازان ما هم باید شبیه فیلم‌های خارجی بسازند؟**

اصلا ربطی به فیلم خارجی ندارد. اتفاقا فیلمساز ایرانی باید ایرانی بسازد. بحث من این است که چرا الان فیلم‌های ما ادای فیلم‌های خارجی شده‌اند؟ به خاطر اینکه نمی‌توانیم شکل خودمان باشیم. نمی‌توانیم به جامعه خود بپردازیم، نمی‌توانیم به احوالات خود بپردازیم. وقتی نمی‌توانیم منعکس‌کننده حقایق وجودی خود و اجتماع خود باشیم به سمت تقلید از فیلم خارجی می‌رویم.

به عبارتی من هم مخالف واردات فیلم خارجی هستم و هم موافق نمایش فیلم خارجی. مخالف هستم اگر قرار است سانسور برای فیلم ایرانی وجود داشته باشد و موافقم اگر سانسور برای فیلم ایرانی وجود نداشته باشد. اگر می‌خواهند واردات فیلم خارجی را آزاد کنند ابتدا باید تولید فیلم ایرانی آزاد باشد. شما نمی‌توانید تولید و حمایت از فیلمساز داخلی را کنترل و از سوی دیگر فیلم خارجی را آزاد کنید که وارد شود؛ این یعنی شرایط نابرابر برای رقابت ایجاد کرده‌اید.

معنای سانسور هم به ظواهر یک فیلم و حتی ممیزی‌ها برنمی‌گردد. در آن نامه هم که با انتقاد از رویه سینمای قبل از انقلاب شروع می‌شود به همین مساله اشاره کردیم. برای اینکه بتوانیم سینمای ملی داشته باشیم باید مردم تصویر خود را بر پرده سینما ببینند، مسائل، آرزوها، آرمان‌ها، حسرت‌های خود را بتوانند ببینند؛ مثلا فیلم‌های مهرجویی را ببینید. مگر فیلم «زیر پوست شهر» رخشان بنی‌اعتماد و «سگ کشی» بیضایی خوب فروخته نشدند؟

**خوب فروخته شد. اما آیا الان هم اگر به همان شکل فیلم ساخته شود، فروش خواهند داشت؟**

مناسفانه فضای ساخته‌شده در سینما به سمت دیگری رفته است.

**اما وقتی با فیلمسازان آثار پرفروش سینما صحبت می‌کنیم، معتقدند که مردم دیگر آن شکل فیلم‌های اجتماعی را نمی‌پسندند و همین را توجیهی قرار می‌دهند برای فیلم‌های پولسازشان.**

مردمی که اشاره می‌کنید دو تا سه میلیون نفر بیشتر نیستند. من در حسرت یک اهل تامل جدی و دقیق هستم. شما داوری کنید. ما ۸۰ میلیون جمعیت داریم و فیلم‌ها را برای دو تا سه میلیون نفر تماشاچی سینما می‌سازیم. اصلا سینمای ملی وجود ندارد. سینمایی وجود دارد که جای خالی کافه، کاباره، تئاتر، سیرک و آکروبات را پر می‌کند. با دستکاری و ناامن کردن بازار نمایش، سینما را کنترل می‌کنند. محل عرضه آثار سینمایی محدود به سالن‌ها شده و سالن‌ها هم محدود به ۱۰-۱۵ شهر شده و این تعداد هم ۲-۳ میلیون بیشتر مخاطب ندارند و آن میزان هم همان مشتری‌های فیلم‌های ماهواره و بازار سیاه هستند که اینجا این فیلم‌ها را می‌بینند و دنبال تمدد اعصاب و جای خالی تئاترهای کمدی و سیرک هستند؛ یعنی دنبال فیلم‌های مفرح هستند. من این مخاطب دو تا سه میلیونی سینما را نه انکار، نه تکذیب و نه توهین می‌کنم. سوال این است که ۳۰۰ سالن دیگر در شهرهای دیگر چه نقشی دارند؟ چرا اکثر سالن‌های سینمای ایران، حدود ۱۰-۲۰ درصد را پر نمی‌کنند؟ چرا اکثر سالن‌های سینمای ایران، حدود ۱۰-۲۰ درصد را پر نمی‌کنند؟ وضعیت سالن نمایش و تبلیغ آنچنان بد است که جریان بازار را می‌تواند تغییر دهد. ایجاد بازار این روزها و عرضه فیلم داخلی، جریان عظیمی از فروش سرمایه و در نتیجه تولید و اشتغال را شکل می‌دهد. سالی هزار فیلم تولید خواهد شد. نیروی انسانی عظیمی به کار گرفته می‌شود و سینما از سلطه سالن و سوپراستار خلاص می‌شود. این سینمای آینده است. چه بخواهیم و چه نخواهیم سینما به این سمت می‌رود. حال مدیران می‌توانند جلو فیلمساز داخلی را بگیرند و سینما را به ورشکستگی و نابودی بکشانند مثل همان چیزی که بر سر سینمای منطقه و شمال آفریقا و سینمای قبل انقلاب آمد یا اینکه با فراهم کردن بازار امن برای نمایش فیلم ایرانی، وضعیت امروز سینما را اصلاح کنند.



**آگهی مناقصه**

**دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز** در نظر دارد اجرای عملیات تغییرات ساختمان شهید باکری و ایجاد مجموع آزمایشگاهی (فاز ۲) در مجتمع شماره یک را از طریق مناقصه عمومی به شرکت‌های واجد شرایط واگذار نماید. لذا از کلیه شرکت‌های پیمانکاری که دارای جداقل پایه‌بندی پایه ۵ (ابنیه) از معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست‌جمهوری می‌باشند درخواست می‌شود طرف مدت ۱۰ روز از تاریخ چاپ آگهی جهت خرید اسناد به آدرس زیر مراجعه نمایند. **نشانی:** تبریز- خیابان شرقی، اول بلوار پاسداران- مجتمع شماره یک دانشگاه آزاد اسلامی تبریز- ساختمان اداری- طبقه سوم- کمیسیون معاملات- خانم سبحانی. **تلفن تماس:** ۳۳۱۹۶۶۷۰ مراجعه نمایند. - هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد. - دانشگاه در رد یا قبول پیشنهادات مختار می‌باشد. - آخرین مهلت خرید و تکمیل و تحویل پیشنهادات به دبیرخانه مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز تا پایان وقت اداری روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۰۷ می‌باشد. - ضمانت‌نامه معتبر بانکی ضمن‌پر تعهد شرکت در مناقصه از یکی از بانک‌های معتبر به مبلغ ۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال در وجه دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز. مدت اعتبار تضمین فوق باید حداقل ۳ ماه از تاریخ افتتاح پیشنهادها بوده و برای ۶ ماه دیگر نیز قابل تمدید باشد. -سایر شرایط در اسناد مناقصه درج شده است.

آگهی ابلاغ و احضار: آقای محمدرضا داوودی فرزند علی به شماره ۱۹۷۰۲۷۰۱۹۰ همسر شما برابر دادنامه به شماره بایگانی ۹۶۱۰۵۸ دادگستری مسجدسلیمان با بذل تمام حقوق مالی خود تقاضای ثبت طلاق نموده لذا به شما اخطار قانونی می‌گردد ظرف مدت ۱۰ روز پس از انتشار آگهی در دفتر طلاق حاضر والا طبق مقررات اقدام به ثبت خواهد شد و اعتراض بعدی مسموع نخواهد شد.
سردفتر ازدواج ۵۸ و طلاق ۴۶ مسجدسلیمان- محمدامین شیردل

آگهیامه موقت اینجانب علیرضا خاطری فرزند رضا به شماره شناسنامه ۶۲۴۰ صادره از تهران در مقطع کارشناسی رشته برق- الکترونیک صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان مفقود گردیده است و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

مدرک فارغ‌التحصیلی (گواهی موقت) اینجانب وحید میرزائی یافتی فرزند اکبر به ش. ش ۲۷۰ در رشته مهندسی عمران- عمران در مقطع کارشناسی پیوسته صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان مفقود گردیده و فاقد اعتبار است. از یابنده تقاضا می‌شود گواهیامه مذکور را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان به آدرس ذیل ارسال نماید.
کرمان- بلوار امام علی (ع)- دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب رابرت پوررستمی آقچه کندی فرزند رضاقلی‌خان به شماره شناسنامه ۱۲۵۸ صادره از تهران در مقطع کارشناسی رشته ریاضی کاربرد در کامپیوتر صادره از واحد دانشگاهی کرج با شماره ۲۷۱۱۵۵۷۶۶ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج به نشانی کرج، رجایی‌شهر، تقاطع بلوار شهید مودن و استقلال، مجتمع دانشگاهی امیرالمومنین ارسال نماید.

اصل گواهی موقت تحصیلی اینجانب سمانه صادق‌پورقلعه‌جوقی فرزند اسمعیل به کد ملی ۰۶۱۰۵۳۱۰۴ رشته علوم تربیتی مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی مقطع کارشناسی صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه مفقود گردیده و فاقد اعتبار است. از یابنده تقاضا می‌شود گواهیامه مذکور را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه به آدرس: (ساوه - کیلومتر ۴ جاده نورعلی‌بیک- شهرک دانشگاهی خانم‌الانبیا(ص)- دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه- اداره فارغ‌التحصیلان) ارسال نماید.

اصل مدرک تحصیلی موقت اینجانب طاهره کیائی فرزند رمضان به کد ملی ۰۴۵۳۰۰۵۶۵۳ رشته راننداسازی مقطع کارشناسی ارشد صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه مفقود گردیده و فاقد اعتبار است. از یابنده تقاضا می‌شود گواهیامه مذکور را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه به آدرس: (ساوه - کیلومتر ۴ جاده نورعلی‌بیک- شهرک دانشگاهی خانم‌الانبیا(ص)- دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه- اداره فارغ‌التحصیلان) ارسال نماید.

اصل گواهیامه موقت اینجانب پریوش وکیلی فرزند نصرت‌الله به شماره شناسنامه ۱۱۰ رشته مدیریت آموزشی مقطع کارشناسی ارشد صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه مفقود گردیده و فاقد اعتبار است. از یابنده تقاضا می‌شود گواهیامه مذکور را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه به آدرس: (ساوه - کیلومتر ۴ جاده نورعلی‌بیک- شهرک دانشگاهی خانم‌الانبیا(ص)- دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه- اداره فارغ‌التحصیلان) ارسال نماید.

پروانه تردد و برگ سبز خودرو سانتافه مدل ۲۰۱۷ به رنگ سفید به شماره موتور G4FKGA۸۴۹۲۷۸ و شماره شاسی ۷۱۱۵۱۵ KMHST81CFHU به شماره پلاک ۶۱۵۱۵ - ارومندی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند کمپانی، برگ سبز و کارت خودرو سمند سواری مدل ۹۶ به رنگ نوک‌مدادی به شماره موتور ۱۲۴۸۶۱۱۴۵۳۵ و به شماره شاسی IN-۷۰۳۹۹۶۰۳ و به شماره پلاک ۱۴-۹۵۵ ل ۹۶ مفقود گردیده است و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

**آگهی تجدید مزایده**

**دانشگاه آزاد اسلامی واحد بردسیر** در نظر دارد بخشی از املاک مازاد بر نیاز خود را شامل: «بوفه دانشجویی» و «خوابگاه دانشجویی به متراژ ۳۵۰ مترمربع» را به صورت اجاره واگذار نماید. از متقاضیان دعوت می‌شود جهت بازدید و ارائه قیمت پیشنهادی خود حداکثر تا ۸ اسفند به روابط عمومی دانشگاه مراجعه کنند. دانشگاه در رد یا قبول پیشنهادات مختار است و هزینه درج آگهی برعهده برنده مزایده خواهد بود.
روابط عمومی ۰۳۴۳۳۵۲۳۳۰۱

نوبت اول

**«فراخوان مناقصه عمومی دومرحله‌ای»**

سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری در نظر دارد تعداد ۵ مورد مناقصه عمومی دومرحله‌ای واگذاری امور نگهداری فضای سبز مجموعه‌های تابعه خود در سال ۱۳۹۸ را (طبق اسناد مناقصه) به شماره مندرج در جدول ذیل از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران درصورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

**زمان انتشار مناقصه در سامانه:** ساعت ۱۰:۰۰ روز نشنبه تاریخ ۹۷/۱۱/۲۷ می‌باشد.
**مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت:** تا ساعت ۱۶:۰۰ روز شنبه تاریخ ۹۷/۱۲/۰۴
**مهلت زمانی ارائه پیشنهاد:** تا ساعت ۱۶:۰۰ روز سه‌شنبه تاریخ ۹۷/۱۲/۱۴
**زمان بازگشایی پاکت‌های الف و ب:** ساعت ۹:۰۰ روز چهارشنبه تاریخ ۹۷/۱۲/۱۵
**زمان بازگشایی پاکت‌های ج:** ساعت ۹:۰۰ روز چهارشنبه تاریخ ۹۷/۱۲/۲۲
**اطلاعات تماس دستگاه مناقصه‌گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر درخصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت‌های الف: نشانی:** تهران- خیابان آزادی- تقاطع بزرگراه یادگار امام(ره)- سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری ساختمان اداری شماره ۲- طبقه همکف- اتاق ۱۰۰- اداره امور فنی و پیمان اداره کل امور پشتیبانی. تلفن: ۶۱۰۶۳۱۶۷-۶۱۰۶۳۱۶۹
- اطلاعات تماس مناقصه سند جهت مراجع عضویت در سامانه: مرکز تماس ۴۱۹۳۴
- **دفتر ثبت‌نام:** ۸۹۸۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۳۶
- اطلاعات تماس دفاتر ثبت‌نام سایر استان‌ها، در سایت سامانه (www.setadiran.ir) بخش «ثبت‌نام/ پروفایل تامین‌کننده/ مناقصه‌گر» موجود است.

**نگهداری فضای سبز**

| ردیف | عنوان مناقصه | شماره ثبت سامانه ستاد | مبلغ تضمین شرکت در مناقصه(ریال) |
|---|---|---|---|
| ۱ | واگذاری امور مربوط به نگهداری فضای سبز مجموعه فرهنگی، تاریخی نیاوران در سال ۱۳۹۸ | ۲۰۹۷۰۰۳۰۶۸۰۰۰۰۳ | ۷۶۳،۷۷۵،۷۴۸ |
| ۲ | واگذاری امور مربوط به نگهداری فضای سبز ساختمان مرکزی و ساختمان‌های تابعه سازمان در سال ۱۳۹۸ | ۲۰۹۷۰۰۳۰۶۸۰۰۰۰۴ | ۷۳۳،۴۸۱،۱۶۳ |
| ۳ | واگذاری امور مربوط به نگهداری فضای سبز مجموعه فرهنگی، تاریخی سعدآباد در سال ۱۳۹۸ | ۲۰۹۷۰۰۳۰۶۸۰۰۰۰۵ | ۲،۷۵۰،۳۷۸،۵۷۳ |
| ۴ | واگذاری امور مربوط به نگهداری فضای سبز مجموعه میراث جهانی کاخ گلستان در سال ۱۳۹۸ | ۲۰۹۷۰۰۳۰۶۸۰۰۰۰۶ | ۶۸۲،۹۳۶،۵۷۶ |
| ۵ | واگذاری امور مربوط به نگهداری فضای سبز موزه ملی ایران در سال ۱۳۹۸ | ۲۰۹۷۰۰۳۰۶۸۰۰۰۰۷ | ۲۲۳،۷۲۸،۲۳۱ |

**م الف: ۴۲۸۶** **معاونت توسعه مدیریت - اداره کل امور پشتیبانی - سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری**

## چارسو

### باژوبی آمریکا از مرضیه هاشمی درباره کنفرانس افق نو بود

در روزهای گذشته نادر طالب‌زاده، همسرش و همکارانش در کنفرانس افق نو همگی در لیست جدید تحریم‌های آمریکا قرار گرفت